ایالات متحده آمریکا

انتخابات

به طور فشرده

PATAKI

مقدمه

انتخابات آزادانه و عادلانه شالودهٔ هر حکومت دموکراسی است و وجود آن برای انتقال مسالمت آمیز قدرت جنبهٔ اساسی دارد.

زمانی که رأی دهندگان به انتخاب نمایندگان می پردازند، رهبرانی را انتخاب می کنند که آیندهٔ جامعهٔ آنان را شکل می دهند. به همین جهت، انتخابات به شهروندان عادی اقتدار می بخشد: از طریق انتخابات به آن ها فرصت داده می شود تا بر سیاست های آیندهٔ دولت خود ، و نتیجتاً بر آیندهٔ خود تأثیر گذار باشند.

هر چند سنت انتخابات در عصر استعمار پایه گذاری شد و ریشه در تاریخ بریتانیا دارد، یالات متحده از هنگام تصویب قانون اساسی خود در سال ۱۷۸۷، یک دموکراسی استوار بر نمایندگی [ازسوی مردم] بوده است. در این کتاب، ماهیت روال انتخابات مدرن آمریکا ، وچگونگی عملکرد آن در سطح فدرال، ایالتی، و محلی مورد بحث قرار می گیرد. این روال که پیچیده و گاهی گیج کننده است، متحول شده تا حق رأی عمومی برای کلیهٔ مردان و زنانی که شهروند آمریکا و دارای ۱۸ سال سن یا بیشتر هستند را تضمین کند.

سمت راست، کنوانسیون جمهوریخواهان در فیلادلفیا، سال ۲۰۰۰.

انتخابات در ایالات متحده

رأی دهندگان در حال پر کردن فرم ها پیش از انداختن آراء خود به صندوق ها در سن دیه گو، سال ۲۰۰۴.

در ایالات متحده، انتخابات برای بعضی مناصب فدرال، وغالب پست های ایالتی و محلی در سال های زوج برگزار می شود. در بعضی ایالات و حوزه های قضایی، انتخابات در سال های فرد برگزار می گردد.

به این ترتیب، هر چهار سال یک بار، آمریکایی ها به انتخاب رییس جمهوری ومعاون رییس جمهوری می پردازند. هر دو سال یک بار، مردم آمریکا تمامی ۴۳۵ عضو مجلس نمایندگان و تقریباً یک سوم از ۱۰۰ عضو مجلس سنا را انتخاب می کنند . هر یک از سناتور ها برای یک دورهٔ شش ساله انتخاب می شود.

ایالت متحده دارای یک نظام حکومتی فدرال وپیچیده دولت ملی مرکزی است. در این نظام، دولت های ایالتی ومحلی نیز بر اموری کنترل و نظارت دارند که به دولت فدرال مرتبط نیست. میزان استقلال دولت های ایالتی و محلی در نحوهٔ تشکیلات انتخاباتی در محدودهٔ قضایی خود، متفاوت است، اما آن ها قادربه برگزاری انتخابات مکرر، تعیین کننده و منظم هستند.

انواع انتخابات در آمریکا

بالا: نامزد ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ از حزب جمهوریخواه، رودولف جولیانی در حال امضا دادن در بلافتون، کارولینای جنوبی. پایین: نامزد ریاست جمهوری (سال ۲۰۰۸) از حزب دموکرات، هیلاری کلینتون در دیدار با طرفداران خود در ناربرث، پنسیلوانیا.

دو نوع اصلی انتخابات وجود دارد: انتخابات مقدماتی و انتخابات عمومی. انتخابات مقدماتی قبل از انتخابات عمومی برگزار می شود و مقصود از آن، تعیین نامزد های حزبی برای انتخابات عمومی است. کاندیدا هایی که در انتخابات مقدماتی برنده شوند، نمایندهٔ حزب خود در انتخابات عمومی خواهند بود(هر چند ممکن است برای رسیدن به مرحلهٔ اصلی، مجبور به طی مراحل جزئی تری باشند).

از اوایل قرن بیستم، رأی دهندگان کاندیدا های خود را از طریق انتخابات مقدماتی بر می گزیده اند. با در نظر گرفتن موارد استثنایی نادر، پیروزی در انتخابات مقدماتی به معنای انتخاب شدن کاندیدا از سوی حزب برای شرکت در انتخابات

عمومی است. در بعضی ایالات، در عوض انتخابات مقدماتی، یا از روی سنت و یا به انتخاب احزاب سیاسی، کاندیدا های احزاب را در کنوانسیون های ایالتی یا محلی انتخاب می کنند .

وقتی انتخابات مقدماتی یا کنوانسیون ها به پایان می رسد، برای تعیین این که چه کسی متصدی پست ریاست جمهوری می شود، انتخابات عمومی برگزار می گردد. در انتخابات عمومی، رأی دهندگان با انتخاب از میان کاندیدا های احزاب که روی برگهٔ رأی گیری مرقوم شده، تصمیم نهایی را می گیرند. در برگهٔ رأی گیری احتمال دارد اسامی کاندیدا های مستقل شرکت کننده در انتخابات (یعنی کسانی که به احزاب وابسته نیستند) هم آمده باشد که برای رسیدن به این مرحله، در عوض شرکت در انتخابات مقدماتی می بایست عریضه ای با تعداد معینی امضا تهیه کنند. به علاوه، در بعضی ایالات، برگهٔ رأی گیری دااری جایی برای «نوشتن»نام کاندیدا هایی است که نه نامزد احزاب بوده اند و نه با تنظیم عریضه احراز صلاحیت کردهاند.این کاندیدا ها « از سوی خود نامزد» شرکت در انتخابات می شوند و گاهی نیز موفق به کسب مناصب دولتی می گردند.

ایالت واشنگتن از سال ۱۹۱۲ به شهروندان اجازه داده است، در صورت جمع آوری تعداد کافی امضاء از سوی رأی دهندگان می توانند ابتکارات خود را بر روی برگه های رأی بنویسند. اینجا، داوطلبان طرفدار ابتکار عمل در آموزش و پرورش در حال تنظیم در خواست های خود در سیاتل هستند.

در ایالات متحده، انتخابات فقط در زمینهٔ گزینش افراد برای مشاغل و مناصب دولتی صورت نمی گیرد. در بعضی ایالات و مراکز، مسائل مربوط به سیاست های عمومی نیز به رأی گذاشته می شود. تدابیری که اتخاذ آن ها را به انتخاب مردم محول می کنند – رفراندوم – و تدابیری که توسط رأی دهندگان روی برگه های رأی قید می شود – طرح های ابتکاری – معمولاً پیرامون صدور اوراق قرضه (برای تأیید وام جهت طرح های دولتی) و سایر احکام یا محدودیت های دولت است. در دهه های اخیر، این گونه آراء تأثیرات زیادی داشته است، مخصوصاً درمورد بودجهٔ ایالات و سیاست های آن ها، که نمونهٔ ویژه در این رابطه، سیستم آموزشی در کالیفرنیا بوده است.

علاوه بر انتخابات فدرال، ایالتی ومحلی که در سال های زوج برگزار می شود، در برخی ایالات و حوزه های قضایی، انتخاباتی هم در سال های فرد برگزار می شود. بسیاری از محدوه های قضایی نیز انتخاباتی ترتیب می دهند که زمان بندی خاصی نداشته و برای مورد معینی برگزار می شود، مانند به کار گماردن مقامی جدید در یک پست خالی دولتی.

انتخابات ریاست جمهوری

هر چهار سال یک بار انتخابات عمومی برای تعیین رییس جمهوری در اولین سه شنبهٔ بعد از اولین دوشنبهٔ ماه نوامبر برگزار می شود. قبل از این انتخابات عمومی، ایالات برای گزینش نمایندگان کنوانسیون ملی، که تعیین کنندهٔ نامزد های انتخاباتی است، انتخابات مقدماتی برگزار می کنند و یا انجمن های حزبی تشکیل می دهند. انتخابات مقدماتی و تشکیل جلسات حزبی معمولاً میان ماه های ژانویه و ژوئن ترتیب می یابد و بعد از آن در ماه های ژوییه، اوت، یا

در دهه های اخیر، کنوانسیون های معرفی نامزد های انتخاباتی ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه و دموکرات در سطح ملّی از اهمیت کمتری بر خورداربوده اند، و دلیل آن افزایش فعالیت های مقدماتی پیش ازانتخابات است. اکنون، همانگونه که در این عکس در کنوانسیون جمهوریخواهان در نیویورک در سال ۲۰۰۴ مشاهده می شود، آنها در حال معرفی نامزد ها هستند.

سپتامبر، کنوانسیون های ملی تشکیل جلسه می دهند.

از دهۀ ۱۹۷۰ به این سو، کاندیدا های ریاست جمهوری که نامزد های بعدی احزاب عمده خواهند بود، از آن جا که قبل از انتخابات مقدماتی و انجمن های حزبی تعدادی نماینده برای خود گرد آورده اند، قبل از تشکیل کنوانسیون معرفی می شوند. نتیجتاً، کنوانسیون ها تبدیل به جلسات تشریفاتی شده اند. برجسته ترین اتفاقاتی که در آن جا می افتد، نطق اصلی توسط یکی از رهبران حزب، اعلام کاندیدای معاونت ریاست جمهوری، فهرست آراء نمایندگانی که به نامزد تعیین شده رأی

دو زن جوان از قرارگاهشان در سنترال پارک واقع در نیو یورک سیتی در تلاش اند تا دموکرات هایی را که در ایالت اوهایو ثبت نام کرده اند برای رأی دادن تشویق کنند. تلاش های همه جانبه از سوی سازمان هاي غیر انتفاعی برای بدست آوردن آراء نقش پر اهمیتی در انتخابات آمریکا ایفا می کنند.

داده اند، و تصویب خط مشی حزب (سند حاوی موضع گیری حزب در مورد مسائل گوناگون) است. این کنوانسیون ها به عنوان رویدادی سیاسی که از طریق تلویزیون پخش می شود و آغاز مبارزات انتخابات عمومی، فرصت خوبی برای تبلیغ دربارهٔ نامزد احزاب و توضیح در بارهٔ موارد اختلاف با احزاب مخالف است.

در صد افراد واجد شرایط رأی دادن در انتخابات گوناگون، متفاوت است، اما استقبال مردم به طور کلی – حتی در انتخابات ریاست جمهوری – کمتر از دیگر کشور های دموکرات است. از سال ۱۹۶۰،

درصد افراد شرکت کننده در انتخابات با کاهش روبرو بوده است که از ۶۴ در صد (در سال ۱۹۶۰) تا کمی بیش از ۵۰ درصد (در سال ۱۹۹۶) تقلیل یافته، با وجود این که در دو انتخابات اخیر این درصد افزایش نشان داد و به ۶۰ درصد بالغ گردید. دلایل متعددی برای عدم استقبال مردم از انتخابات در ایالات متحده وجود دارد. بر خلاف سایر کشور های دموکرات، رأی دهندگان باید برای شرکت در انتخابات رأساً اقدام به ثبت نام کنند، و فرایند آن در ایالات مختلف، متفاوت است. از دیگر علل این که، رأی دادن اختیاری است و نه مانند بعضی کشور ها اجباری ،. و دیگر این که، به دلیل برگزار شدن شمار زیادی انتخابات، که از طریق آن می بایست بیش از یک میلیون مقام دولتی در سراسر کشور انتخاب شوند، رأی دهندگان را از شرکت در آن ها خسته می کند.

آمار نشان می دهد که از شرکت مردم در انتخابات زمانی کاسته می شود که آن ها از وضعیت سیاسی کشور رضایت داشته باشند، و یا این که نظر سنجی ها حاکی از پیروزی حتمی یکی از کاندیدا ها باشد. و برعکس، شرکت مردم زمانی در انتخابات بیشتر می شود که رقابت میان کاندیدا ها بسیار نزدیک یا تصمیم گیری در مورد مسائل بحث انگیز باشد.

شرایط لازم برای کاندیدا ها

هر یک از مناصب فدرال مستلزم داشتن شرایط متفاوت است، که در اصول اول و دوم قانون اساسی آمریکا شرح داده شده است. به عنوان مثال، کاندیدا های ریاست جمهوری باید افرادی باشند که درایالات متحد متولد شده باشند، دارای حداقل ۳۵ سال سن بوده از اقامتشان در ایالات متحد دست کم ۱۴ سال گذشته باشد. شرایط کاندیدا

شدن برای مقام معاونت رییس جمهوری هم به همین شکل است. طبق متمم دوازدهم قانون اساسی آمریکا، معاون رییس جمهوری نباید اهل همان ایالتی باشد که رییس جمهور بومی آن است.

کاندیداهای مجلس نمایندگان باید حداقل ۲۵ ساله و دارای و هفت سال سابقهٔ تابعیت آمریکا داشته باشند. آنها همچنین باید ساکن ایالتی باشند که نمایندگی آن را در کنگره خواهند پذیرفت. کاندیدا های مجلس سنا باید دارای ۳۰ سال سن، ۹ سال سابقهٔ تابعیت در آمریکا، و به طورقانونی ساکن ایالتی باشند که مایلند به نمایندگی آن انتخاب شوند. افرادی که کاندیدای مناصب ایالتی یا محلی هستند، باید واجد شرایطی باشند که حوزهٔ قضایی مربوطه تعیین می کند.

متمم بیست و دوم قانون اساسی آمریکا که در سال ۱۹۵۱ تصویب شد، انتخاب یک فرد واحد را بیش از دو بار به ریاست جمهوری ایالات متحده مجاز نمی داند. اما در قانون اساسی محدودیت هایی برای اعضای مجلس نمایندگان و سناتور ها پیش بینی نشده است، و سال هاست که گروه های سیاسی مختلف درمورد این گونه محدودیت ها به رایزنی مشغول هستند. محدودیت های زمانی در مورد مناصب ایالتی و محلی، چنانچه وجود داشته باشد، در قانون اساسی ایالتی و مقررات محلی شرح داده می شوند.

نقش احزاب سیاسی

هنگامی که بنیانگذاران جمهوری در آمریکا، پیش نویس قانون اساسی را تهیه و آن را در سال ۱۷۸۷ تصویب کردند ، نقشی در آن برای احزاب سیاسی پیش بینی نشده بود. البته آن ها از طریق تمهیدات مختلف – مانند تفکیک سه قوه و تقسیم آن به قوای مجریه، مقننه و

سه مرد که به برنده شدن نامزدی حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ امید داشتند (از چپ به راست): رودولف جولیانی، میت رامنی، و جان مک کین، قبل از مناظره های در تلویزیون ملی در مقابل دوربین عکاسی می ایستند. گر چه انتخابات مقدماتی حزبی، ایالت به ایالت بر گزار می شود، مناظره های ملّی رأی دهندگان را در انتخابات مقدماتی در کلیه ایالت ها تحت تأثیر قرار می دهد.

قضاییه؛ ایجاد فدرالیسم؛ و انتخاب غیر مستقیم رییس جمهور توسط هیئت انتخابیه - ترتیبی دادند که آن جمهوری نو پا نیازی به احزاب سیاسی و جناح بندی های حزبی نداشته باشد.

علیرغم نیت بنیانگذاران، ایالات متحده در قرن نوزدهم یکی از اولین کشور هایی بود که به ایجاد احزاب سیاسی نوبنیاد پرداخت، تشکیلات این احزاب جنبهٔ ملی داشت و انتقال قوهٔ مجریه از جناحی به جناح دیگر از طریق انتخابات صورت می گرفت. تشکیل و توسعهٔ احزاب سیاسی در ارتباط مستقیم با گسترش حق رأی بود. در اوایل تشکیل این جمهوری، فقط مردانی که از دارایی و املاک برخوردار بودند، حق رأی داشتند، اما این محدودیت در اوایل قرن بیستم و به دنبال موج مهاجرت، رشد شهر ها، و سایر نیرو هایی که

کنوانسیون های معرفی نامزد ها در آمریکا یک رسم سیاسی قدیمی است. بالا: نمایندگان شرکت کننده در کنوانسیون جمهوریخواهان در شیکاگو، سال ۱۸۶۸. پایین: کنگره حزب ملّی دموکرات ها در سین سیناتی، سال ۱۸۸۰.

در دموکراتیزه کردن کشور مؤثر بودند، مانند گسترش کشور به سمت غرب، پشت سر گذاشته شد. بعد از گذشت دهه ها، و با حذف محدودیت هایی مانند دارایی، نژاد و جنسیت، حق رأی به قشر بسیار گسترده تری از جمعیت تعلق پیدا کرد. به موازات افزایشتعداد جمعیت رأی دهنده ، احزاب سیاسی هم دچار تحول شدند و خواستند از تودهٔ فزایندهٔ رأی دهندگان به عنوان ابزار کنترل سیاسی استفاده کنند. احزاب سیاسی برای تحقق این مقصود، نهادینه شدند. به این ترتیب، ظهور احزاب در آمریکا بخشی از توسعهٔ دموکراتیک بود و در دههٔ ۱۸۳۰، این احزاب تثبیت شده و کاملاً قدرتمند بودند.

امروز، احزاب جمهوریخواه و دموکرات – که هر دو میراث احزاب قرن هجدهم و نوزدهم هستند – بر روند سیاسی کشور تسلط

دارند. جز موارد استثنایی نادر، این دو حزب عمده، ریاست جمهوری، کنگره، مناصب فرمانداری، و مجالس قانونگذاری ایالتی را در دست دارند. برای مثال، از سال ۱۸۵۲ ، رؤسای جمهور یا دموکرات بوده اند، و یا جمهوریخواه، و در دورۀ بعداز جنگ جهانی دوم، تعداد آرای مشترک این دو حزب برای ریاست جمهوری به ۹۵ درصد می رسید. به ندرت اتفاق می افتد که یکی از ۵۰ ایالت فرمانداری را انتخاب کند که نه دموکرات است و نه جمهوریخواه. تعداد اعضای کنگره که به احزاب سوم یا مستقل تعلق دارند ، بسیار قلیل است.

در دهه های اخیر، تعداد فزاینده ای از رأی دهندگان، هنگام ثبت نام برای شرکت در انتخابات، خود را "مستقل" می خوانند. با این حال، طبق نظر سنجی های انجام شده، افرادی هم که خود را مستقل می خوانند باز گرایش به یکی از احزاب عمده دارند.

استثناء بر این قاعدۀ کلی را می توان در سطح محلی مشاهده کرد، مخصوصاً در شهر های کوچک که کاندیدا هامجبور به وابستگی به احزاب نیستند و یا در ردیف داوطلبان همفکر برای به دست آوردن منصبی تحت لوای طرح های ابتکاری محلی – مانند نوسازی مرکز شهر یا ساخت مدارس- مبارزه می کنند.

هر چند دو حزب عمده در تشکیلات دولت های ملی، ایالتی، و محلی شرکت و بر آن تسلط دارند، کمتر از احزاب دیگر کشور های دموکرات دارای انسجام ایدئولوژیک و برنامه ریزی شده هستند. قابلیت احزاب عمده در تطبیق خود با رشد سیاسی در سطح کشور، منجر به تسلط عملگرایانۀ روند سیاسی گشته است.

چرا سیستم دو حزبی؟

همان طور که اشاره شد، جمهوریخواهان ودموکرات ها از دهۀ

اعضای یکصد ونهمین کنگره در حال ادای سوگند در صحن مجلس در کنگره آمریکا، سال ۲۰۰۵.

۱۸۶۰حاکم بر سیاست های انتخاباتی بوده اند. سابقهٔ این دو حزب که سیاست های انتخاباتی کشور را منظمناً بدون داشتن مدعی دیگری در اختیار داشته اند، نشان دهندهٔ جنبه های ساختاری سیستم سیاسی آمریکا و ویژگی های این احزاب است.

شیوهٔ رایج برای انتخاب قانونگذاران کشوری و ایالتی در ایالات متحده، سیستم منطقه ای "تک عضوی" است، که در آن کاندیدایی که بیشترین تعداد آرا را کسب می کند (یعنی بیشترین تعداد آراء در هر یک از مناطق رأی گیری) برندهٔ انتخابات محسوب می شود. با این که در بعضی ایالات، برنده شدن در انتخابات مستلزم کسب اکثریت

آراست، غالب متصدیان مقام های دولتی فقط با کسب بیشترین تعداد آرا برنده می شوند.

بر خلاف سیستم های تناسبی که در بسیاری از کشور های دموکرات معمول است، ترتیب تک عضوی منطقه ای فقط به یک حزب مجال پیروز شدن در هر منطقه را می دهد. به این صورت، ترتیب تک عضوی موجب ایجاد انگیزه هایی برای تشکیل احزاب ملی با پایگاه گسترده و مهارت های مدیریتی، منابع مالی، و جذب مردم برای پیروزی در تعدد آرای منطقه ای مجلس قانونگذاری می شود. در این سیستم، کاندیدا های احزاب سوم و کوچکتر، از امتیاز چندانی برخوردار نیستند.

احزابی که دارای منابع مالی جزئی و تعداد کمی طرفدار هستند، ممکن است موفق به کسب هیچ نماینده ای نشوند. به این ترتیب، کسب تعداد قابل قبولی نماینده برای رسیدن به قدرت در سطح کشور، برای احزاب جدید امکان پذیر نیست که این امر به ساختار "همه چیزبه برنده می رسد" نیز در سیستم انتخابات آمریکا ارتباط پیدا می کند. چرا دو جزب در عوض مثلاً سه حزب ملی با بنیهٔ مالی خوب؟ کمی به این دلیل که رأی دهندگان با وجود دو حزب به نظر می رسد از امکان انتخاب کافی برخورداریاشند، و اندکی هم به این سبب که آمریکایی ها به لحاظ تاریخی تمایلی به افراط گرایی در سیاست نداشته اند، و بعد هم چون هر دوی این احزاب از افکار و ایده های نوآورانه استقبال می کنند.

هیئت انتخاب کننده

انگیزهٔ دیگری هم برای راه حل دو حزبی وجود دارد، و آن سیستم هیئت انتخاب کننده برای انتخاب رؤسای جمهور است. در این سیستم،

نشست مجمع انتخاباتی نبراسکا در دسامبر ۲۰۰۴ در لینکلن، نبراسکا برگزار کرد، تا پنج رأی انتخاباتی خود را برای پرزیدنت جورج دابلیو بوش به صندوق بیاندازد.

آمریکایی ها عملاً به رییس جمهور و معاون او به طور مستقیم رأی نمی دهند. در عوض، در هر ایالت، به گروهی "انتخاب کننده" رأی می دهند که متعهد به گزینش یکی از کاندیدا های ریاست جمهوری هستند. تعداد این انتخاب کنندگان مساوی تعداد نمایندگان مجلس هر ایالت است، یعنی تعداد سناتور ها و اعضای مجلس نمایندگان متعلق به آن ایالت. برای انتخاب شدن به عنوان رییس جمهوری، کاندیدا ها باید دارای اکثریت قاطع آراء۵۳۸ تن هیئت انتخاب کننده ۵۰ ایالت باشند.

شرط کسب اکثریت آرا، باعث می شود کاندیدا های احزاب سوم با مشکلات عدیده ای در رقابت های ریاست جمهوری مواجه شوند،

در این عکس، مجمع انتخاباتی ایالت واشنگتن، ۱۱ رأی خود را برای جان کری، کاندیدای ریاست جمهوری از حزب دموکرات در سال ۲۰۰۴ به صندوق می اندازد.

زیرا آرای انتخاباتی هر یک از ایالات، طبق سیستم "همه چیز به برنده می رسد" (با دو مورد استثنا) شمارش می گردد. به این صورت که هر کاندیدایی بیشترین تعداد آراء مردمی را در ایالتی از آن خود کند – حتی اگر این بیشترین تعداد، کثرت آن چنانی هم نداشته باشد – برندهٔ آرای انتخابیهٔ آن ایالت می شود. در مین و نبراسکا، برندهٔ ایالت دو رأی هیئت انتخاب کننده، و برندهٔ هر یک از حوزه های انتخاباتی، یک رأی هیئت را به دست می آورد. هیئت انتخاب کننده، مانند سیستم منطقه ای تک عضوی، به ضرر کاندیدا های احزاب سوم است که شانس کمی برای کسب آراء هیئت انتخاب کننده دارند، چه رسد به کسب آراء در آن تعداد ایالت که بتوانند رییس جمهور را انتخاب کنند.

بنیانگذاران آمریکا، سیستم هیئت انتخابیه را به وجود آوردند تا از این طریق، قدرت میان ایالات و دولت ملی تقسیم گردد. در این سیستم، آرای مردمی در سطح کشور نقش تعیین کننده ندارند. و در نتیجه، امکان دارد آرای هیئت انتخابیه که بر مبنای انتخابات ایالتی توزیع می

شود، نتیجه ای متفاوت از آرای مردمی در سطح کشور داشته باشد. در واقع، در ۱۷ انتخابات ریاست جمهوری، برندهٔ انتخابات، فرد دارای اکثریت آرای مردمی نبود . اولین این افراد، جان کوینسی آدامز در انتخابات سال ۱۸۲۴، و آخرین فرد، جورج دبلیو بوش، در سال ۲۰۰۰ بود. بعضی از مردم سیستم هیئت انتخابیه را یک سیستم منسوخ تلقی می کنند، در حالی که بقیه آن را ترجیح می دهند زیرا رییس جمهور، در عوض مبارزه در صرفاً ایالات پر جمعیت، در تعداد زیادی از ایالات مجبور به مبارزه است.

سایرموانع در مقابل احزاب سوم

با در نظر گرفتن گرایش نظام به ایجاد دو حزب ملی در طول سالیان، و با تسلط دموکرات ها وجمهوریخواهان بر دستگاه دولت، تعجب انگیز نیست که مقررات انتخابات به نفع آن ها طراحی شده باشد. مثلاً، صلاحیت یافتن یک حزب جدید برای شرکت در انتخابات، اقدامی متهورانه و پرهزینه است و اغلب به تهیهٔ طومارهایی با ده ها هزار امضا نیاز دارد و برای امکان ادامهٔ فعالیت های انتخاباتی، سهم آرای آن در بدو کار، باید به اندازهٔ انتخابات بعدی باشد.

روند نامزدی هم یکی دیگر از موانع ساختاری در فعالیت احزاب سوم است. در میان کشور های دموکرات جهان، آمریکا به لحاظ اتکای نظام خود به برگزاری انتخابات مقدماتی در تعیین نامزد های ریاست جمهوری، اعضای کنگره و مقامات دولتی، منحصر به فرد است. همان طور که اشاره شد، طبق این سیستم ، رأی دهندگان عادی به فرد مورد نظر خود در انتخابات مقدماتی رأی داده و نامزد حزب خود را برای مرحلهٔ انتخابات عمومی برمی گزینند. در غالب کشور ها، نامزد های احزاب از طریق تشکیلات و رهبران حزب کنترل می شوند. اما در

رأی دهندگان در نیو همپشایر در حال استماع سخنان جان ادواردز، نامزد ریاست جمهوری از حزب دموکرات در خانه ای شخصی در سالم، در اوایل فصل انتخابات مقدماتی سال ۲۰۰۸ هستند.

ایالات متحده، رأی دهندگان هستند که نهایتاً تعیین می کنند نامزد های احزاب دموکرات و جمهوریخواه، چه کسانی باید باشند.

هر چند این نظام بیشتر از نظام سایر کشور های دموکرات، منجر به تضعیف تشکیلات داخلی حزب می شود، اما این مشارکت در تعیین نامزد های احزاب، تسلط دموکرات ها و جمهوریخواهان بر سیاست های انتخاباتی را افزایش داده است. کاندیدا های معترضان و اصلاح طلبان، با کسب نامزدی حزب از طریق انتخابات مقدماتی، می توانند کوشش کنند تا به صندوق های رأی گیری انتخابات عمومی برسند و

از این طریق، بدون تشکیل دادن احزاب سوم، شانس خود را برای پیروزی در انتخابات عمومی تقویت کنند. به این ترتیب، روند نامزدی در انتخابات مقدماتی، مجرایی برای ورود دگراندیشان به درون دو حزب اصلی بوده و آن ها را درگیر زحمت تشکیل دادن یک حزب سوم نمی کند. به علاوه، احزاب و کاندیدا های آن ها با استفاده از استراتژی های انتخاباتی، پیام حزب سوم و کاندیدا های مستقل را که موفق به جلب توجه عموم شده اند، از آن خود می کنند .

حمایت گسترده

احزاب دموکرات وجمهوریخواه، هر دو در جستجوی حمایت گسترده هستند و تلاش می کنند از تمام طبقات جامعه برای خود طرفدارانی دست و پا کنند. به استثنای رأی دهندگان یهودی و آفریقایی آمریکایی – که اکثریت بسیار وسیعی از آن ها معمولاً به کاندیدا های ریاست جمهوری حزب دموکرات رأی می دهند – هر دو حزب در تمام گروه های عمدهٔ

دانیل کی آکاکا، سناتور دموکرات از هاوایی، در حال خوشامد گویی سنتی به یکی از طرفداران خود در ستاد مبارزاتی خود در هونولولو.

در سیستم فدرال لایه به لایه آمریکا، انتخابات محلی برای شهروندان محلی به اندازه انتخابات ملّی حائز اهمیت است. در این عکس، بیل وایت، کاندیدای شهرداری هوستون در حال ملاقات با نمایندگان رسانه ها است.

اجتماعی اقتصادی، دارای هواداران زیادی هستند. این دو حزب در رابطه با موضعگیری های سیاسی بسیار انعطاف پذیر هستند و عموماً به طرفداری خشک از ایدئولوژی یا اهداف سیاسی خاص نمی پردازند. دلمشغولی اول آن ها همیشه پیروز شدن در انتخابات و امکان کنترل بخش های انتخابی دولت بوده است.

با توجه به پایگاه اجتماعی اقتصادی گستردهٔ حامیان آن ها و نیاز به کار در جامعه ای که وسیعاً محافظه کارانه فکر می کند، احزاب آمریکایی موضعگیری میانه رو دارند. همان طور که اشاره شد، از انعطاف زیادی نیز در خط مشی خود برخوردارند. این رویکرد غیرجزمی موجب می شود احزاب، گوناگونی زیادی را در میان صفوف خود برتافته و موفق به جذب اشخاص سوم و جنبش های اعتراض آمیز گردند. به طور کلی، حزب جمهوریخواه به منزلهٔ حزب محافظه کار تلقی می شود – با تأکید بیشتر بر حقوق مالکیت و امکان مال اندوزی، و دموکرات ها بیشتر جنبه های چپ روانه دارند، و

طرفدار سیاست های اجتماعی و اقتصادی لبیرال هستند. عملاً، هر کدام که به قدرت می رسد، سعی می کند عمل گرا باشد.

ساختار های حزبی غیر متمرکز

ویژگی دو حزب اصلی آمریکا، علاوه بر انعطاف پذیری ایدئولوژیک، ساختار غیر متمرکز نیز هست. زمانی که رییس جمهور انتخاب شد، او نمی تواند انتظار داشته باشد که اعضای حزب او در کنگره از طرح هایش حمایت کنند، و نیز رهبران احزاب در کنگره این انتظار را ندارند که خط مشی حزب از سوی اعضای آن بی چون وچرا قبول شود. انجمن های حزبی دموکرات ها وجمهوریخواهان در کنگره (متشکل از قانونگذاران وقت) مستقل هستند، و ممکن است سیاست هایی را دنبال کنند که با سیاست رییس جمهور، هر چند متعلق به همان حزب، مغایر باشد. جمع آوری پول برای انتخابات احزاب هم جداگانه است، زیراکمیتهٔ کمپین های سناو کنگرهٔ دموکرات ها و جمهوریخواهان، مستقل از کمیته های ملی حزب، که متمایل به انتخابات ریاست جمهوری هستند، عمل می کند. علاوه بر این، به غیر از اعمال نفوذ بر روند انتخاب نمایندگان جهت کنوانسیون های ملی، تشکیلات ملی حزب به ندرت درامور احزاب ایالتی دخالت دارد.

این پراکندگی تشکیلاتی بازتاب نظام تفکیک قوا در قانون اساسی است – تقسیم قدرت میان شاخه های قانونگذاری، اجرایی، و قضایی دولت، در سطح فدرال و در سطح ایالت، هر دو. سیستم تفکیک قدرت فقط موجب پدید آمدن انگیزه های محدودی برای اتحاد حزبی میان قانونگذاران و رهبر اجرایی حزب است. این موضوع در مورد اعضای کنگره در برابر رییس جمهور که به حزب واحدی تعلق دارند، یا رابطهٔ مشابه میان قانونگذاران ایالتی و فرماندار، کاملاً واقعیت

بلاگ نویسان اینترنتی در کنوانسیون ملّی دموکرات ها در بوستون، سال ۲۰۰۴، در حال به روز کردن بلاگ های خود دربارهٔ کنوانسیون هستند. کنوانسیون های مدرن ریاست جمهوری بیشتر به دنبال آن هستند که صحنه های شادی آفرین رسانه ای باشند تا محیط های جدی سیاسی.

دارد.

سیستم چند لایهٔ دولت فدرال، ایالتی و محلی در ایالات متحده، با پدید آوردن هزاران حوزهٔ انتخاباتی برای مقامات شاغل در سطوح فدرال، ایالتی و محلی، انگیزهٔ دیگری برای تمرکز زدایی احزاب است. همان طور که قبلاً اشاره شد، استفاده از انتخابات مقدماتی برای معرفی نامزد ها نیز، از آن جا که قابلیت کنترل گزینش نامزد های حزبی را از آن ها می گیرد، به تضعیف تشکیلات حزبی دامن می زند. به همین خاطر، کاندیدا های فردی تشویق می شوند تشکیلات شخصی کمپین انتخاباتی خود را ، نخست برای پیروز شدن در انتخابات مقدماتی و بعد هم در انتخابات عمومی، ترتیب دهند.

نگرانی عموم مردم

علیرغم وجود شواهد دیرین حزب گرایی تشکیلاتی در سیستم سیاسی آمریکا، یکی از عناصر پرسابقه در فرهنگ مدنی این کشور، عدم اعتماد فزاینده به احزاب سیاسی بوده است. در پیش گرفتن و رشد سیستم انتخابات مقدماتی برای تعیین نامزد های کنگره و ایالات، دال بر وجود احساسات پوپولیستی یا حتا ضد حزبی در میان مردم است. آمریکایی های مدرن در مورد اعمال

کاندیدا های حزب ثالث در انتخابات ریاست جمهوری چندین بار در قرن بیستم به روی صحنه آمده اند. اگر چه آنها موفقیتی به دست نیاورده اند، با این وجود انتخابات ریاست جمهوری را تحت تأثیر قرار داده اند. در این عکس، رئیس جمهوری اسبق تدی روزولت در حال ایراد سخنرانی برای طرفداران حزب "بول موس" خود در سال ۱۹۱۲ است.

نفوذ تشکیلات حزبی خود بر دولت، بد بین هستند. در همه پرسی های عمومی مرتباً عنوان می شود که قسمت اعظم مردم عقیده دارند که گاهی احزاب بیش از روشن تر کردن مسائل، آن ها را بیشتر مغشوش می کنند – وبهتر این بود که اسم احزاب روی صندوق های رأی گیری نوشته نمی شد.

احزاب باید با مشکل تعداد زیادی از رأی دهندگان که هویت حزبی برایشان از اهمیت هر چه کمتر برخوردار است، مبارزه کنند. یکی از شاخص های این امر، رأی دادن به نامزد های چند حزب است. به عنوان مثال، رأی دهنده ای ممکن است به نامزد حزب خودش برای ریاست جمهوری رأی دهد، و برای حوزۀ انتخاباتی کنگره، نامزدیک حزب دیگر را برگزیند. به این ترتیب، در دورۀ یک دولت منشعب، رؤسای جمهور بدون برخورداری از اکثریت در هیچ یک از مجالس کنگره مجبور به ادارۀ امور هستند. کنترل شاخه های قانونگذاری و اجرایی دولت بدون وجود اتحاد میان احزاب، تبدیل به امری عادی در دولت ملی ودولت های ۵۰ ایالت گشته است. بعضی از ناظران معتقدهستند که رأی دهندگان همین ترتیب را ترجیح می دهند، زیرا از آن دسته از ابتکارات دولت که برای آن ها ایجاد دردسر می کند، ممانعت به عمل می آورد.

احزاب مخالف و کاندیدا های مستقل

احزاب مخالف وکاندیدا های مستقل، با وجود موانعی که قبلاً در مورد آن صحبت شد، یکی از ویژگی های ادواری سیاست آمریکا بوده اند. آن ها اغلب مشکلاتی اجتماعی را مطرح کرده اند که احزاب عمده از عهدۀ پرداختن به آن در دستور کار دولت بر نیامده اند. اما غالب احزاب مخالف برای مدتی موقت و در جریان انتخابات شکوفا می شوند

در سال ۱۹۹۲، راس پرو، میلیاردر اهل تگزاس در مورد کسری بودجه فدرال دچار نگرانی شد و در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری به عنوان نامزد حزب ثالث شرکت نمود و نظرات خود را در تلویزیون توجیه کرد. برخی می گویند میراث وی انتخاب بیل کلینتون به سمت رئیس جمهوری بود.

و بعد از بین رفته و محو می گردند، ویا جذب یکی از احزاب عمده می شوند. از دهۀ ۱۸۵۰، تنها یک حزب جدید، یعنی حزب جمهوریخواه ظهور کرد و موقعیت یک حزب عمده را یافت. در آن هنگام، موضوعی به لحاظ اخلاقی الزام آور – برده داری – مطرح و موجب چند دستگی میان ملت شده بود. این موضوع مبنایی برای کاندیدا شدن و بسیج رأی دهندگان بود.

شواهدی دال بر تأثیر عمیق احزاب مخالف بر نتایج انتخابات موجود است. برای مثال، کاندیداتوری تئودور روزولت به عنوان

در سال ۲۰۰۰، نامزد ریاست جمهوری از حزب سبز و فعال اجتماعی رالف نیدر، تنها بخش کوچکی از آراء را کسب کرد. حامیان ال گور وی را به خاطر جذب کافی آراء لیبرال از ال گور و تغییر جهت انتخابات به سوی جورج دابلیو بوش سرزنش کردند.

داوطلب مستقل در سال ۱۹۱۲، در آرای عادی جمهوریخواهان چند دستگی ایجاد کرد وموجب انتخاب وودرا ویلسون از حزب دموکرات و با کسب آرایی کمتر ازاکثریت آرای مردمی گردید. در سال ۱۹۹۲، کاندیداتوری مستقل ه. راس پروت، رأی دهندگانی را جذب کرد که در دهۀ ۱۹۸۰، در اصل به جمهوریخواهان رأی داده بودند، و به همین خاطر در شکست رییس جمهور جمهوریخواه وقت، جورج اچ

دبلیو بوش مؤثر واقع شد. در رقابت های بسیار نزدیک سال ۲۰۰۰، میان جورج دبلیو بوش از حزب جمهوریخواه، و ال گور از حزب دموکرات، اگر رالف نیدر، کاندیدای حزب سبز، در انتخابات فلوریدا شرکت نکرده بود، امکان داشت گور با به دست آوردن آرای ایالت فلوریدا، در انتخابات ریاست جمهوری نیز پیروز شود.

از آغاز قرن بیستم، همه پرسی های افکار عمومی حاکی از حمایت گستردهٔ مردم از احزاب مخالف و کاندیدا های مستقل بوده است. در آستانهٔ انتخابات سال ۲۰۰۰، طبق همه پرسی گالوپ، ۶۷ درصد ازمردم آمریکا طرفدار ایجاد یک حزب مخالف قدرتمند بودند که کاندیدا هایی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، کنگره و مناصب ایالتی در مقابل کاندیدا های جمهوریخواهان و دموکرات ها معرفی کند. همین قبیل احساسات به علاوهٔ خرج های بی حد و حصر راس پرو، میلیاردر تگزاسی موجب شد که او در سال ۱۹۹۲، ۱۹ درصد از آرای مردم را از آن خود کند، یعنی بالاترین درصدی که یک کاندیدای مستقل، بعد از تئودور روزولت (حزب ترقی خواه)، با ۲۷ درصد آرا در سال ۱۹۱۲، به دست آورد.

نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری

در قانون اساسی آمریکا توضیحی دربارهٔ مقررات درون حزبی نامزدی کاندیداهای ریاست جمهوری، داده نشده است. در زمان تدوین قانون اساسی یعنی در اواخر قرن هجدهم، هنوز احزاب سیاسی وجود نداشتند، و بنیانگزاران جمهوری، لزومی در از پیش مدون کردن روال کار این نهاد ها نمی دیدند.

این روال کار در سال ۱۷۹۶ آغاز شد، و به این شکل بود که

جورج واشنگتن در حال ادای سوگند به عنوان نخستین رئیس جمهوری ایالات متحده، سال ۱۷۸۹. واشنگتن به جناح های سیاسی مشکوک بود، امّا در دوران ریاست جمهوری وی احزاب مردمی شروع به رشد کردند.

اعضای کنگره ایالات متحده هنگامی که با یکی از احزاب وقت احساس نزدیکی می کردند، بعد از ملاقات های غیر رسمی، بر سر نامزدهای ریاست جمهوری و معاونت این مقام به توافق می رسیدند. این سیستم گزینش کاندیداهای حزب که "شاه انجمن حزب" نامیده می شد، بدین منوال تا حدود ۳۰ سال به کار خود ادامه داد. این سیستم در سال ۱۸۲۴، در پی تمرکز زدایی قدرت در سیاست که توأم با گسترش ایالات متحد به سمت غرب بود، از میان رفت.

متعاقباً، برای انتخاب کاندیداهای حزبی، کنوانسیون های ملی جایگزین "شاه انجمن حزب" شدند. درسال ۱۸۳۱، یکی از احزاب اقلیت، حزب ضد ماسون ها، بعد از تشکیل جلسه در یکی از سالن های شهر بالتیمور، مریلند، به انتخاب کاندیداها وتدوین خط مشی خود پرداخت. سال بعد، دموکرات ها برای انتخاب کاندیداهای خود در همان سالن تشکیل جلسه دادند. ازآن زمان، احزاب اکثریت و بیشتر احزاب اقلیت، با حضور نمایندگان ایالات به تشکیل کنوانسیون هایی برای انتخاب کاندیداهای ریاست جمهوری و معاونت او و توافق درمورد موضعگیری های سیاسی پرداختند .

ظهور تلویزیون

در طی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، کنوانسیون های نامزدی ریاست جمهوری، هر چند بسیاری از وفاداران به حزب هم در آن شرکت داشتند، تحت کنترل رهبران احزاب ایالتی بود. این "رؤسای" سیاسی از نفوذ خود برای دست چین کردن نمایندگان برای شرکت در کنوانسیون – و اطمینان از رأی دادن "صحیح" آن ها در کنوانسیون ملی حزب، استفاده می کردند. مخالفان رهبری احزاب، در طلب اصلاحاتی بودند تا به رأی دهندگان عادی نیز امکان شرکت در

بعد از جنگ جهانی دوم تلویزیون انتخابات ملّی را به تفریحی مردمی تبدیل کرد. در این عکس، وفاداران حزبی جمع شده اند تا گزارشات انتخاباتی را در ستاد مرکزی جمهوري خواهان در مریدین، می سی سی پی تماشا کنند.

انتخابات مقدماتی ایالتی به راهی برای به انتصاب رسیدن نامزد های انتخاباتی جمهوریخواهان و دموکرات ها تبدیل شده اند. در این عکس، یکی از نامزد های ریاست جمهوری حزب جمهوریخواهان، لامار الکساندر(با پیراهن چهارخانه در وسط)، به رسانه ها و رأی دهندگان مقدماتی نیو همپشایر در زمستان سال ۱۹۹۶، خوشامد می گوید.

انتخابات نمایندگان کنوانسیون داده شود. برگزاری انتخابات مقدماتی به همین منظور معمول شد. در سال ۱۹۱۶، در بیش از نیمی از ایالات، انتخابات مقدماتی برگزار می شد.

اما این جنبش دیری نپایید. در پی پایان جنگ جهانی اول، رهبران احزاب که می دانستند انتخابات مقدماتی تهدیدی برای قدرت آنان است، به بهانهٔ پر هزینه بودن و شرکت تعداد کمی از افراد در آن ها، قانونگذاران ایالتی را متقاعد به لغو آن نمودند. در سال ۱۹۳۶ ، انتخابات مقدماتی هنوز تنها در دوازده ایالت برگزار می شد.

اما بعد از جنگ جهانی دوم، فشار برای ایجاد دموکراسی دوباره

آغاز شد. برای اولین بار تلویزیون وسیله ای شد که مردم از طریق آن می توانستند در خانهٔ خود فعالیت های انتخاباتی را از طریق سمعی و بصری دنبال کنند. کاندیدا های موجه برای پست ریاست جمهوری از شرکت جویی در تلویزیون برای جلب نظرمردم استفاده می کردند. سال های بعد، با صورت گرفتن اصلاحات دموکراتیک، شرکت در کنوانسیون های انتخاب نامزد های حزب گسترده تر شد.

در نتیجه اکنون غالب ایالات انتخابات مقدماتی را برگزار می کنند. بسته به قوانین هر ایالت، رأی دهندگان می توانند به نامزد ریاست جمهوری یک حزب و فهرست نمایندگان "متعهد" رأی دهند، یا این که می توانند به نامزد ریاست جمهوری رأی دهند وانتخاب نمایندگان به بعد موکول شود، و یا می توانند با انتخاب نمایندگان کنوانسیون که به یکی از نامزد ها "تعهد" دارند، غیر مستقیم به کاندیدایی در انجمن حزب رأی دهند. در سیستم انجمن حزبی، هوادارانی که در یک منطقهٔ جغرافیایی نسبتاً کوچک زندگی می کنند – مثلاً در یک ناحیه – می توانند گرد هم آمده و به نمایندگانی رأی دهند که متعهد به حمایت از یک کاندیدای معین ریاست جمهوری هستند. آن نمایندگان به نوبهٔ خود، معرف ناحیه در بخش خود در کنوانسیون ناحیه ای هستند، که آن هم به انتخاب نمایندگانی برای شرکت در کنوانسیون های منطقه ای و ایالتی می پردازد. نمایندگان این کنوانسیون ها نهایتاً به انتخاب نمایندگان دیگری می پردازند که در کنوانسیون ملی حضور خواهند یافت. هرچند این سیستم چند ماهی به طول می انجامد، اما کاندیدای ارجح در دور اول رأی گیری ها مشخص می گردد.

تعداد حقیقی نمایندگان هر ایالت برای حضور در کنوانسیون ملی بر پایهٔ فرمولی محاسبه می شود که از سوی حزب تعیین شده، و عواملی نظیر جمعیت ایالت، حمایت های سابق آن از کاندیدا های ملی،

و تعداد مقامات منتخب و رهبران حزب که در حال حاضر در مناصب دولتی مشغول انجام وظیفه در آن ایالت هستند، را لحاظ می کند. فرمول سهمیه بندی تعداد نمایندگان حزب دموکرات در کنوانسیون ملی، دو برابر تعداد جمهوریخواهان است.

در نتیجهٔ تمایلات اصلاح طلبانه پس از جنگ جهانی دوم به این سو، دو گرایش عمده به چشم می خورد. اول این که، تعداد بیشتری از ایالات، انتخابات مقدماتی و انجمن های حزبی خود را جلوتر برده و نزدیکتر به موعد قطعی انتخابات نامزدی حزب برگزار می کنند و این کار را " فرانت لودینگ " می خوانند. ایالاتی که انتخابات مقدماتی یا انجمن حزبی پیش از موعد برگزار می کنند، برای رأی دهندگان امکان اعمال نفوذ بیشتری در انتخاب نهایی نامزد ها فراهم می کنند. علاوه بر آن، مشوقی هم برای نامزد ها در پرداختن به نیاز های ایالت است و ممکن است آن ها را وادار به سازماندهی در ایالت نماید، مانند پرداخت پول به کارمندان، رسانه ها، و هتل ها برای کسب پیروزی روانی، قبل از نامزدی حزب.

اینترنت به عنوان شیوه ای در حال گسترش برای جمع آوری اعانه و جلب توجه به سوی نامزدهایی که دور از دسترس قرار دارند مورد استفاده قرار می گیرد. یکی از نامزدهای کنگره از اوهایو (سمت راست) و مدیر ارتباطات وی (سمت چپ) در مقابل دوربین ایستاده اند و صفحه بلاگ خود را به نمایش می گذارند.

به علاوه، در بعضی نقاط کشور، ایالات با همکاری یک دیگر و از طریق برگزاری انتخابات مقدماتی و انجمن های حزبی در یک روز واحد، "انتخابات مقدماتی منطقه ای" ترتیب داده ونفوذ منطقه را به حداکثر می رسانند.

هر دو این گرایش ها، کاندیدا ها را مجبور می کند فعالیت های خود را زودتر آغاز کنند و از این طریق، در تعداد فزایندهٔ ایالاتی که رقابت های پیش از موعد برگزار می کنند، جای پای محکمی برای خود تهیه ببینند. کاندیدا ها برای حفظ ارتباط خود با رأی دهندگانی که در یک روز واحد و در چند ایالت در انتخابات مقدماتی شرکت می کنند، می بایست ارتباط زیادی با رسانه های گروهی– رادیو، تلویزیون، و اینترنت – داشته و حمایت رهبران ایالتی حزب را کسب کنند.

کاهش اهمیت کنوانسیون سیاسی

یکی از پیامد های تحولات در روند نامزدی ریاست جمهوری کاهش اهمیت کنوانسیون ملی نامزدی حزب است که سابق بر این نقطهٔ اوج این روند محسوب شده و از طریق تلویزیون هم پخش می شد. امروز، نامزد ریاست جمهوری توسط رای دهندگان در اوایل روند انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری معین می شود. این نامزد احتمالی می تواند قبل از برگزاری کنوانسیون، معاون خود را نیز انتخاب کند. (کاندیدا های معاونت ریاست جمهوری مستقلاً برای احراز این مقام، در انتخابات مقدماتی فعالیت نمی کنند، بلکه از سوی کاندیدای برندهٔ ریاست جمهوری حزب انتخاب می شوند.)

به این ترتیب، روند نامزدی ریاست جمهوری پیوسته در تحول است. در دهه های اخیر، این تحول موجب افزایش شرکت کنندگان،

بهبود وضعیت نمایندگی از لحاظ جمعیت، و تحکیم رابطه میان هواداران حزب و کاندیدا ها گشته است. در حال حاضر، این روند موجب می شود کاندیدا هایی که بیشتر شناخته شده هستند از مزایایی برخوردار باشند، آن ها پول بیشتری جمع می کنند، مبارزه آن ها سازماندهی کارآتری دارد، و می توانند علاقهٔ زیادی در میان رأی دهندگان فصل انتخابات مقدماتی ایجاد کنند.

ارتباط اینترنتی

کاندیدا ها وهواداران آن ها به سرعت راه استفاده از اینترنت را به عنوان ابزاری در مبارزات یاد گرفته اند. ثابت شده که این راهی مؤثر در جمع آوری کمک های مالی حامیان بالقوه، و ارتقا دهندهٔ تجربه وخط مشی افراد است. اکنون تشکیلات مربوط به فعالیت های انتخاباتی ، هر یک دارای وبلاگ مخصوص به خود است. وبلاگ نویسان در این تارنما ها مانند اعضای تحریریه هستند که دربارهٔ بیانات و فعالیت های کاندیدای مورد نظر خود مطلب می نویسند. در این میان، هزاران وبلاگ نویس دیگر هم شرح و تفسیر هایی در حمایت از کاندیدای مورد علاقهٔ خود نوشته و با دیگرانی که با آن ها مخالف هستند وارد بحث می شوند.

پخش ویدئو در تارنماهایی مانند یوتیوب ، هم فرصت های خوبی ایجاد می کند و هم باعث گرفتاری می شود. کاندیداها با به کار گیری فناوری، ویدئو هایی دربارهٔ خود تهیه می کنند، که بعضی از آن ها طنزآمیز نیز هست. در مواقعی هم بعضی کار ها یا گفته های آنان در لحظاتی ثبت می شود که آن ها تمایلی به پخش شدن آن برای عموم مردم را ندارند – و اما این خطا ها و لغزش ها مکرراً دراینترنت و یا تلویزیون پخش می گردد.

شلدون وایت هاوس از حزب دموکرت انتخاب خود به عنوان یک سناتور آمریکایی از ایالت رود آیلند را جشن می گیرد. هم سناتور ها و هم اعضای کنگره از قدرت قابل توجهی بر خوردارند.

انتخابات کنگره

انتخابات کنگره ایالات متحده می توانند به اندازه انتخابات ریاست جمهوری، رقابتی و مهم باشند. دلیل آن هم، نقش محوری است که کنگره در وضع قوانین ایفا می کند.

بر خلاف یک نظام پارلمانی که درآن بالاترین مقام قوه مجریه از پارلمان می آید، سیستم آمریکا، همانگونه که ذکر شد، قوه مقننه و ریاست جمهوری را از هم تفکیک می کند. رؤسای جمهوری و

قانونگذاران به صورت جداگانه انتخاب می شوند. گرچه یک رییس جمهوری در دوران تصدی خود می تواند قوانینی را به کنگره پیشنهاد کند، اما پیش نویس این قوانین بایستی در کنگره و توسط متحدان وی در این نهاد تهیه شده و قبل از آنکه برای امضا کردن به رییس جمهوری برگردانده شود، به تصویب کنگره برسد. مجلس نمایندگان و سنا از نظر قانونی و سیاسی، مستقل از اراده رییس جمهوری هستند.

در سیستم آمریکا، در مقایسه با سیستم های پارلمانی، انضباط حزبی در درون کنگره با شدت کمتری رعایت می شود. اعضای کنگره نسبتا آسان تر می توانند در مورد سیاست هایی که به نظر آنها بهترین هستند رأی دهند، از جمله آنچه به نظر آنها از نقطه نظر پیروزی در انتخابات مجدد خودشان، بهترین است. در نتیجه، رهبران کنگره باید با جمع آوری یکایک اعضا، یک ائتلاف پیروز را تشکیل دهند، و نمی توانند روی پشتیبانی خودکار احزاب منضبط حساب کنند. این امر، دستیابی به هرگونه پیروزی در زمینه قانونگذاری در کنگره را بسیار دشوار می کند. بنابراین، انتخابات کنگره برای کشور مهم هستند، زیرا که کنگره قدرتمند بوده و پیش بینی آن همچون تک تک نمایندگان کنگره دشوار است.

اختلافات مجلس نمایندگان وسنا

مجلس نمایندگان و سنا دارای اختیارات تقریبا برابر هستند اما روش های انتخاب آنها بسیار متفاوت می باشند. هدف بنیانگذاران جمهوری آمریکایی این بود که اعضای مجلس نمایندگان به عامه مردم نزدیک بوده و منعکس کننده خواست ها و آرزوهای آنان باشند. لذا "بنیانگذاران" مجلس نمایندگان را طوری طراحی کردند که نسبتا بزرگ باشد تا بتواند اعضای زیادی را از مناطق قانونگذاری کوچک

در خود جای دهد، و انتخابات مکرر (دو ساله) داشته باشد. در ابتدا، بعضی معتقد بودند که دوره دو ساله بیش از حد طولانی است. در عصری که حمل و نقل با اسب صورت می گرفت، یک دوره دو ساله در واشنگتن می توانست یک نماینده کنگره را به مدت دو سال از موکلان خود دور نگه دارد. امروز، نگرانی این است که انتخابات در هر دو سال، نمایندگان کنگره را وادار می کند تا در هر آخر هفته یا ایام مشابه، برای جذب حمایت سیاسی، به حوزه های انتخابیه خود پرواز کنند.

هر کرسی مجلس نماینده یک حوزه انتخابیه جغرافیایی منحصر به فرد است و همانگونه که در بالا ذکر شد، هر عضو با قاعده کثرت، به عنوان نماینده انحصاری از آن حوزه انتخاب می شود. داشتن حداقل

نانسی پلوسی، سخنگوی مجلس نمایندگان (سمت چپ) دو خواهر، لیندا (وسط) و لورتا سانچز، که هر دو از کالیفرنیا به مجلس راه یافته اند، را سوگند می دهد.

مجلس سنای کنگره، به گونه ای توسط بنیانگزاران طراحی شده است که قدرتی میانه رو و با ثبات باشد. در این عکس، ۱۰۰ تن از سناتورها برای یک عکس گروهی مقابل دوربین نشسته اند.

یک کرسی در مجلس نمایندگان برای هر یک از ۵۰ ایالت تضمین شده است و سایر کرسی ها بر مبنای جمعیت به ایالت ها تخصیص داده می شوند. به عنوان مثال، آلاسکا جمعیت کمی دارد، بنابراین تنها دارای یک کرسی در مجلس نمایندگان است. کالیفرنیا پرجمعیت ترین ایالت است و ۵۳ کرسی دارد. شمار کرسی های تخصیص داده شده به هر ایالت بر پایه هر سرشماری ده ساله مورد محاسبه مجدد قرار می گیرد تا تغییرات جمعیتی ایالت ها در ۱۰ سال گذشته به حساب آورده شده و مجالس قانونگذاری ایالتی مرزهای حوزه کنگره را در درون ایالات مجددا طراحی کنند تا منعکس کننده تغییرات در شمار کرسی

های تخصیص داده شده به آن ایالت یا تغییرات جمعیتی درون آن ایالت باشند.

سنا طوری طراحی شد که اعضای آن تعداد بیشتری از موکلان– یعنی کل ایالت – را نمایندگی کنند و میزان متساوی از نمایندگی را، صرف نظر از جمعیت، برای آن ساختار در هر ایالت فراهم آورد. بنابراین، ایالت های کوچک از تأثیری متساوی با ایالت های بزرگ (دو سناتور) در سنا برخوردارند.

در ابتدا سناتورها توسط قوای مقننه ایالتی انتخاب می شدند. با تصویب "اصلاحیه هفدهم" بر قانون اساسی در سال ۱۹۱۳، مقرر شد که انتخاب سناتورها مستقیما توسط رأی دهندگان ایالات آنها صورت گیرد. هر ایالت دو سناتور دارد که برای دوره های شش ساله پخش شده در طول زمان، انتخاب می شوند. هر دو سال، یک سوم کرسی های سنا در معرض انتخاب مجدد قرار می گیرند. یک سناتور با رأی کثرتی رأی دهندگان ایالت انتخاب می شود.

وفاداری به حزب یا فرد

در گذشته، انتخابات کنگره بیشتر جنبه "حزب محوری" داشت زیرا بسیاری از رأی دهندگان مدت های طولانی به این حزب یا آن حزب سیاسی، وفادار می ماندند و بیشتر تمایل داشتند که در راستای دیدگاه های حزبی، برای کنگره رأی دهند. شخصیت ها و عملکردهای فردی صاحب منصبان تنها می توانستند به صورت حاشیه ای موجب افزایش یا کاهش حمایت رأی دهندگان شوند. در دهه های اخیر، دیدگاه ها و شخصیت های نامزدهای انفرادی، نقش محوری تری را در سیاست انتخاباتی پیدا کرده و تا حدودی از اهمیت وابستگی های حزبی کاسته است.

در حقیقت، از دهه ۱۹۶۰ تا کنون، انتخابات ملی به طور فزاینده ای نامزد محور شده اند. رشد رسانه ها و اینترنت، اهمیت جمع آوری فعالانه کمک برای تبلیغات انتخاباتی، نظرسنجی های مستمر، و ابعاد دیگر تبلیغات نوین، شناخت رأی دهنده نوعی را از یک نامزد، به عنوان یک فرد، افزایش داده اند. در نتیجه، رأی دهندگان بیشتر تمایل دارند برای تعیین نامزدی که می خواهند به او رأی دهند، نقاط قوت و ضعف فردی او را همراه با دیدگاه های حزبی بسنجند. ایجاد آموزش عمومی گسترده در اوایل قرن بیستم، و ایجاد آموزش عالی پس از جنگ جهانی دوم نیز اطمینان بیشتری را به رأی دهندگان در مورد داوری خود داده و از اتکای آنها به رهنمودهای حزبی در زمینه تصمیم گیری انتخاباتی کاسته اند.

در یک چنین شرایط انتخابات نامزد محوری، اعضای کنونی کنگره از وضعیت خوبی برخوردار هستند چرا که نرخ انتخاب مجدد بیش از ۹۰ درصد است. دلیل این امر تا حدی این است که رسانه ها غالبا پوشش مطلوب و ملایمی را به کنگره می دهند؛ در این زمینه، به ویژه، پوشش دادن رسانه های محلی به اعضای انفرادی در ایالات یا حوزه های کنگره آنان قابل توجه است. با چنین پوشش رسانه ای کلا مطلوب، و ارتباط روزمره با موضوعات سیاستگذاری دولتی – و افراد و گروه هایی که در پی تأثیرگذاری بر سیاست هستند – نمایندگان فعلی نیز مایل هستند که مبالغ بسیار بیشتری را جهت صرف تبلیغات خود جمع آوری نمایند. به همین دلایل و دلایل دیگر، احتمال پیروزی نمایندگان فعلی که برای انتخاب مجدد به رقابت می پردازند، صرف نظر از وابستگی حزبی آنها، بسیار زیاد است.

نظر سنجی ها و صاحب نظران

نظر سنجی افکار عمومی، هر چند جزئی از قوانین ومقررات مربوط به انتخابات نیست، اما به بخش ضروری روال انتخابات در دهه های اخیر تبدیل گشته است. تعداد زیادی از کاندیدا ها به استخدام نظر سنجان مبادرت می ورزند و نظر سنجی های متعددی ترتیب می دهند. نظر سنجی، به کاندیدا های سیاسی کمک می کند موقعیت خود را در مقایسه با رقبای انتخاباتی بسنجند و با مهمترین مسائلی که برای رأی دهندگان مطرح است، آشنا شوند. رسانه ها – مطبوعات، تلویزیون – نیز نظر سنجی هایی برگزار می کنند وگزارش آن را (درکنار نتایج نظر سنجی های خصوصی) به شهروندان می دهند تا بدانند مسائل و خط مشی کاندیدا های مورد نظرشان در رابطه با کاندیدا های دیگر در چه وضعیتی قرار دارند.

پنجاه سال قبل، تنها دو یا سه سازمان بزرگ، کار نظر سنجی را در انحصار خود داشتند. امروزه، یعنی در عصر اخبار فوری، اینترنت، و کانال های خبری ۲۴ ساعته، منابع زیادی اخبار مربوط به نتایج نظرسنجی ها را تأمین می کنند و به اطلاع همگان می رسانند.

تاریخچهٔ نظرسنجی

در حال حاضر، نظر سنجی دائم افکار عمومی توسط نظرسنجان خصوصی و کارآمد، برای کاندیدا ها به امری عادی و پیش پا افتاده ای تبدیل شده، و همین طور برای رده های بالای صاحب منصبان دولتی مانند رییس جمهوری، که می خواهند از چند وچون اوضاع با خبر شوند. به هر جهت، نظر سنجی های وابسته به رسانه ها در تاریخ آمریکا معمول تر بوده است.

با این که اولین نظر سنجی سیاسی در سال ۱۸۲۴ وتوسط یک روزنامهٔ محلی در هریسبرگ، پنسیلوانیا انجام گرفت، این قسم نظر سنجی تا دههٔ ۱۹۳۰، هنوز به کار عمدهٔ رسانه ها در پوشش خبری مبارزات انتخاباتی تبدیل نشده بود. در دههٔ ۱۹۷۰، شبکهٔ خبر هر سه شبکه اصلی تلویزیون آمریکا (ای بی سی، سی بی اس و ان بی سی) هر یک به ارائهٔ نظر سنجی خود در رقابت های ریاست جمهوری پرداختند و از آن به بعد نیز این شیوهٔ کار در مهمترین رقابت های سیاسی برای انتخابات فرمانداران ایالت و اعضای کنگرهٔ آمریکا، ادامه یافت.

نظر سنجی های مدرن رسانه ها – مانند آن هایی که به نام شبکهٔ خبر تلویزیون و روزنامهٔ شریک آن برگزار می شود (به عنوان مثال

لی میرینگاف از موسسهٔ عقاید عمومی ماریست کالج، بر عملیات اخذ آراء نظارت می کند.

سی بی اس/نیویورک تایمز، ای بی سی/واشینگتن پست، ان بی سی/وال استریت جورنال) به طور مرتب در جریان اند و می توانند به طور هفتگی و حتی روزانه، از افکار عمومی درمورد کاندیدا ها یا دیگر مسائل با خبر شوند. این نظر سنجی ها طوری طراحی می شوند که مستقل و بی طرف باشند. طی دهه های متمادی، نظر سنجی سیاسی مستقل باعث آزمون واقع بینانه ای از رقابت های انتخاباتی شده، نقاط قوت و ضعف هر کاندیدا را ارزیابی کرده، و گروه های حامی هر یک از کاندیدا ها را مورد بررسی قرار داده است. نظر سنجی های مستقل، این فرصت را در اختیار خبرنگاران و سردبیران قرار می دهند که ارزیابی صادقانه ای از مبارزات داشته و رأی دهندگان با دور نمای سیاسی آشنا شوند.

مارک پن، برنامه ریز و نظر سنج اصلی هیلاری کلینتون، نامزد ریاست جمهوری از حزب دموکرات، به دنبال مناظره ای که در ژانویه ۲۰۰۸ صورت گرفت، با خبرنگاران به گفتگو می نشیند.

دامنه نمونه برداری و ترکیب

گاهی بعد از اتفاقات و رویداد های مهم، مانند نطق سالانهٔ رییس جمهوری دربارهٔ وضعیت کشور، یا بحث میان کاندیدا ها برای کسب یک مقام سیاسی، نظر سنجی های شبانه انجام می شود. غالباً این نظر سنجی ها برای این که روز بعد انتشار پیدا کند، یک شبه انجام می شود ونظرات ۵۰۰ تن از افراد بزرگسال را در بر می گیرد.

این نظر سنجی های یک شبه هر چند موفق به ثبت واکنش سریع مردم می شود، اما بعضی از کارشناسان معتقد هستند که یک نمونهٔ ۵۰۰ نفری برای آگاهی از قضاوت یک ملت ۳۰۰ میلیون نفری به هیچ وجه کافی نیست. بسیاری از افراد متخصص در این زمینه اعتقاد دارند که نظر سنجی باید دست کم از ۱۰۰۰ نفر صورت بگیرد تا معرف نمونه ای از کل جمعیت باشد. حتی در نظر سنجی های بسیار دقیق هم جای سؤال باقی می ماند، و کاندیدا های زیادی بوده اند که از ناشناختگی کامل تا محبوبیت پیش رفته اند، درست برعکس آن چه نتایج نظر سنجی نشان می داده است.

نظرسنجی هایی که زود هنگام برگزار می شود، حاوی اطلاعاتی مهمتر از جلو یا عقب بودن کاندیدا ها هستند . می توانند نشان دهندهٔ نگرانی برای مسائل جاری یا حال و هوای کلی مردم باشند. یکی از نظر سنجان می گوید، "نظر سنجی اندکی آگاهی به آنچه کاندیدا ها می بینند و مردم احساس می کنند – رضایت، رنجش، خشم، سرخوردگی، اعتماد، یا حتا ناامیدی، اضافه می کند." نتایج نظرسنجی های عمومی و خصوصی به کاندیدا ها کمک می کند تا بتوانند بهترین پیام ارتباطی را به مردم رسانده و بر موضوعاتی که از نظر آن ها با اهمیت است، تأکید کنند.

نظر سنجی در پایان کار

این نوع نظر سنجی (که از سوی شبکه های تلویزیونی و هنگامی که مردم حوزه های رأی گیری را ترک می کنند، تهیه می شود)، از دهۀ ۱۹۷۰، یکی از مراحل عمدۀ انتخابات آمریکا را تشکیل می داده است.

این گونه نظر سنجی ها از انواع دیگر بحث انگیز تر هستند زیرا

رأی دهندگان در منطقه روستایی پنسیلوانیا (از جمله اعضای قبیله آمیش) در حال ورود و خروج از یکی از حوزه های رأی گیری.

بر پایهٔ مصاحبه با مردمی که از حوزه های رأی گیری بیرون می آیند، به شبکه های تلویزیونی امکان پیش بینی آیندهٔ انتخابات را می دهد. نظر سنجی های در خاتمه، موجب به بار آمدن رسوایی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ شد، زمانی که از شبکه های تلویزیونی، نه یک بار، بلکه دو بار برای مخدوش کردن چهرهٔ کسی که از سوی رأی دهندگان در فلوریدا انتخاب شده بود ، سوء استفاده گردید. در این مورد، فشار خبر دست اول گرفتن، بر فشار انتشار خبر درست چربید.

با این حال، وقتی از نظر سنجی در پایان کار به نحوهٔ درست استفاده شود، می تواند جنبهٔ یک ابزار حیاتی را برای نظرسنجان،

رأی دهندگان در حال ترک یکی از حوزه های رأی گیری در ویرجینیای غربی. این گروه از کشیش ها برای رأی دادن علیه رأی مخفی برای گسترش قماربازی قانونی آمده اند.

مطبوعات، و صاحب نظران داشته باشد. این گونه نظر سنجی ها، صرف نظر از استفادهٔ سؤال برانگیز از آن ها در مورد اعلام پیش از موعد برندگان انتخابات، می توانند جزئیات چگونگی رأی دادن گروه های مختلف جمعیت، و دلیل انتخاب آن ها را به اطلاع کارشناسان و پژوهندگان علم سیاست برسانند.

تأمین مالی مبارزات انتخاباتی

قوانین فدرال تعیین کنندهٔ نحوهٔ جمع آوری پول ، منابع مالی ، و میزان آن برای نامزد های انتخابات ریاست جمهوری، سنا و مجلس نمایندگان، و برخی دیگر از مناصب سیاسی هستند. قوانین فدرال درمورد امور

اندرو کومو، سیاستمدار اهل نیویورک (وسط) درحال صحبت با طرفداران در یک مراسم جمع آوری اعانه در جریان مبارزات انتخاباتی وی برای فرمانداری.

مالی ستادهای مبارزات انتخاباتی جدا از قوانین ایالتی مربوط به انتخابات برای مناصب ایالتی و محلی است .

در سیستم آمریکا، کاندیدا های ریاست جمهوری صد ها میلیون دلار برای شرکت در مبارزاتی جمع آوری می کنند که دارای بیش از ۱۰۰ میلیون رأی دهنده است. هر چند در بسیاری از موارد جمع آوری پول از طریق منابع خصوصی صورت می گیرد، اما فرایند جمع آوری و خرج این پول باید تابع قوانین خشکی باشد.

کاندیدا های ریاست جمهوری باید تشکیلاتی برای مبارزات تدارک ببینند کنند که به آن کمیتهٔ سیاسی گفته می شود. این کمیتهٔ سیاسی باید دارای یک خزانه دار باشد و در کمیسیون انتخابات فدرال (FEC) ثبت گردد. FEC ، بر خلاف نامش، منحصراً مربوط به تنظیم و به اجرا درآوردن قوانین مالی مبارزات انتخاباتی است و وظیفه ای در برگزاری انتخابات ندارد. (دفتر های انتخاباتی ایالتی و محلی مسئول ثبت نام از رأی دهندگان، برگزاری انتخابات، و شمارش آرا هستند.)

انواع مختلف کمیته های سیاسی در FEC ثبت می شوند. علاوه بر کاندیدا ها، احزاب سیاسی هم باید کمیته های خود را در این سازمان به ثبت برسانند. به علاوه، بسیاری از گروه های شهروندان حقیقی

هم ممکن است کمیته های سیاسی تشکیل دهند. به عنوان مثال، گروه های افراد متعلق به شرکت ها، اتحادیه های کارگری، و مجامع تجاری غالباً به تشکیل این کمیته ها می پردازند (هرچند استفاده از منابع مالی شرکتی یا اتحادیه های کارگری مجاز نیست). به این کمیته های سیاسی PAC ، یا کمیته های اقدام سیاسی گفته می شود، که این ها نیز باید در FEC به ثبت برسند

.کیمته های سیاسی بعد از ثبت شدن می توانند به جمع آوری پول بپردازند. میزان سرمایهٔ جمع آوری شده و هزینه های آن ها باید هر هفته یا ماهی یک بار به FEC گزارش داده شود. این گزارش ها به صورت الکترونیک هم قابل ارسال است و درتارنمای آژانس در دسترس همگان قرار می گیرد [www.fec.gov] سازمان های خصوصی متعددی نیز هستند که دارای تارنما بوده و درآمد های مالی و هزینهٔ کاندیدا ها، احزاب سیاسی و PAC ها را به طور منظم کنترل می کنند. حسن این کار در این جاست که مطبوعات و رأی دهندگان می توانند به آسانی مطلع شوند کدام گروه ها پول

سناتور جمهوریخواه جان مک کین تلاش بسیار گسترده ای را برای اصلاح بودجه مبارزاتی به عمل آورده است. آنچه که سبب ایجاد اصلاحاتی قابل قبول می شود همچنان مورد بحث است.

در اختیار کدام کاندیدا ها قرار می دهند. در مورد میزان پولی که هر یک از شهروندان و هر یک از کمیته ها می توانند در اختیار کاندیدای مورد علاقهٔ خود قرار دهند، محدودیت های قانونی وجود دارد. به همین دلیل، یک کاندیدای ریاست جمهوری که نیاز به جمع آوری صد ها میلیون دلار برای برگزاری کمپین انتخاباتی خود دارد، باید تلاش کند هزاران تن را برای مشارکت در امر تأمین منابع مالی خود بیابد .

برای پیشبرد فعالیت های انتخاباتی، کاندیدا ها باید کارمندانی استخدام کنند؛ امکاناتی برای فضای کار و سفر های خود فراهم کنند؛ به انجام پژوهش هایی بپردازند؛ مواضع خود را برای اطلاع عموم به چاپ برسانند؛ به تبلیغات در رادیو و تلویزیون، نشریات و همین طور در اینترنت بپردازند؛ در مجامع عمومی ظاهر می شوند و رویداد هایی برای جمع آوری پول ترتیب دهند.

کاندیدا های انتخابات مجلس نمایندگان، این فعالیت ها و اقدامات را در منطقهٔ انتخاباتی خود متمرکز می کنند، اما داوطلبان نمایندگی در سنا همین کار را باید در سطح ایالت انجام دهند (اعضای کنگره و سناتور ها می توانند برای جمع آوری پول، رویدادهایی نیز در نقاط دیگر مانند واشینگتن دی سی ترتیب دهند.) اما کاندیدا های ریاست جمهوری باید این کار را از ایالت به ایالت کرده، و بعد در صورتی که به عنوان نامزد حزب خود انتخاب شوند، برای انتخابات عمومی باید در تمام کشور به سفر بپردازند.

تأمین بودجهٔ دولتی

از سال ۱۹۷۶، کاندیدا های ریاست جمهوری اجازه یافتند برای تأمین مالی در یک سیستم عمومی شرکت کنند. تا انتخابات سال ۲۰۰۰، کلیهٔ کاندیدا های ریاست جمهوری در این سیستم شرکت کرده و در

مقابل تعهد به هزینه نکردن بیشتر از یک مقدار معین پول ، از تأمین مالی دولتی استفاده می کردند. این سیستم ، به طور فزاینده ای جذابیت خود را برای کاندیدا ها از دست می داد و دلیل آن، زیاده از حد پایین بودن میزان مخارج تعیین شده، حتا کمتر از آن چه کاندیداهای عمده می توانستند از منابع خصوصی خود تأمین کنند، بود. متعاقباً ، بسیاری از کاندیدا ها از درخواست تأمین بودجهٔ دولتی صرف نظرکردند.

مخارج فعالیت های انتخاباتی از یک انتخابات تا انتخابات دیگر، دستخوش تغییرات زیادی می شود. علاوه بر هزینه هایی که خود کاندیدا دارد، احزاب سیاسی، PAC ها، و سایر گروه های ذینفع هم برای تأثیر در انتخابات، باید مقادیر زیادی خرج کنند. یکی از تازه ترین کانال های اختصاص دادن پول به انتخابات، "تشکیلات سیاسی

کمیته های اقدامات سیاسی می توانند در هر زمینه ای بحث و تبادل نظر کرده و به جمع آوری اعانه بپردازند. آنها ممکن است برای تشویق رأی دهندگان به آنها تلفن بزنند ...

... یا در گالری ها یا هر جای دیگر برای جمع آوری اعانه میهمانی بر پا کنند.

۵۲۷" نام دارد که نام آن از یکی از بخش های کد مالیاتی آمریکا گرفته شده. این گروه ها در وهلهٔ اول، برای تأثیر گذاری بر گزینش، نامزدی، انتخاب و تعیین افراد برای مقام های فدرال، ایالتی یا محلی، تشکیل می شوند. تشکیلات سیاسی ۵۲۷، مانند مووآن و سویفت بوت وترنز فور تروت ، از سوی کمیسیون فدرال انتخابات یا کمیسیون ایالتی، کنترل نمی شوند و مانند PAC ها مجبور به رعایت محدودیت های مالی نیستند. انتقاد کنندگان از این گروه ها و گروه های مشابه، عقیده دارند که هزینه کردن زیاد در انتخابات آمریکا، توأم با تکیه به منابع خصوصی، موجب تأثیر گذاری و نفوذ نا به جای اهدا کنندگان ثروتمند و گروه های قدرتمند ذینفع، بر افکار عمومی می شود.

اصلاحات پیشنهادی از سوی کسانی مورد مخالفت قرار می

گیرد که معتقدند مخارج انتخابات متناسب با افزایش هزینهٔ کالا ها و خدمات در اقتصاد امروز، بالا می رود. در این رابطه، خرج کردن برای انتخابات ، یعنی قیمتی است که یک دموکراسی برای رقابت های انتخاباتی آزاد می پردازد که در کنار آن مشارکت ها و مخارج گروه های ذینفع هم، به منزلهٔ مظهر کثرت گرایی دیرینهٔ آمریکا، وجود دارد. مشکل می توان ارتباطی را میان اهداء کنندگان گروه های ذینفع و سیاست دولت ثابت کرد . محاکم هم محدودیت مخارج در مبارزات انتخاباتی را زیر سؤال می برند و می گویند این کار با حقوق شهروندان در قانون اساسی مبنی بر آزادی بیان در حوزهٔ سیاسی مغایرت دارد. با در نظر گرفتن مخارج سنگین فعالیت های انتخاباتی مدرن، بعضی از افراد متمول، خود تأمین مخارج شرکت در انتخابات خود را به عهده می گیرند – و قانونی هم آنها را منع نمی کند. و گاهی برنده می شوند، گاهی هم نمی شوند.

روال انتخابات در آمریکا

هزاران تن از مقامات رسمی، مسئولیت سازمان دادن و به اجرا درآوردن انتخابات آمریکا را به عهده دارند، که شامل جدول بندی و تأیید نتایج هم می شود. این مقامات باید به یک سلسله کار های مهم وپیچیده بپردازند – تعیین تاریخ دقیق انتخابات، تأیید صلاحیت کاندیدا ها، ثبت نام رأی دهندگان واجد شرایط و آماده کردن صورت اسامی آنان، انتخاب دستگاه ها و تجهیزات رأی گیری، طراحی برگه های رأی گیری، گردآوردن یک نیروی کار برای مدتی موقت به منظور ادارهٔ روند کار در روز انتخابات؛ و بعد جدول بندی آرا و تأیید نتایج.

اکثریت انتخابات در آمریکا چندان به هم نزدیک نیست، اما گاهی رقابت ها به نتایج بسیار نزدیکی می انجامند یا نتایج آنها مورد اعتراض اقع می شود. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۰ – برای تعیین برندهٔ انتخابات ریاست جمهوری با نزدیکترین نتایج به دست آمده در تاریخ آمریکا – موجب شد تا آمریکاییان با بسیاری از مسائل مربوط به ادارهٔ انتخابات برای اولین بار آشنا شوند.

رأی دادن در ایالات متحده طی یک فرایند دو مرحله ای انجام می شود. در این جا یک فهرست کلی از رأی دهندگان واجد شرایط موجود نیست، بنابراین، شهروندان قبل از ثبت نام برای شرکت در انتخابات، از لحاظ صلاحیت باید مورد تأیید قرار بگیرند. شهروندان در محل اقامت خود برای رأی دادن ثبت نام می کنند؛ در صورتی که به محل جدیدی نقل مکان کنند، باید مجدداً در محل اقامت جدید خود ثبت نام نمایند. ترتیب ثبت نام از رأی دهندگان برای جلوگیری از تقلب در انتخابات برقرار شده است، اما نحوهٔ آن از ایالت به ایالت متفاوت است. در گذشته، ثبت نام گزینشی از رأی دهندگان موجب کنار ماندن بعضی از شهروندان– مخصوصاً آفریقایی آمریکاییان ساکن در جنوب کشور – از شرکت در انتخابات می شد. اخیراً کوشش شده است تا در این فرایند تسهیلاتی ایجاد شود. برای مثال، طبق مصوبهٔ ملی ثبت نام رأی دهندگان متعلق به سال ۱۹۹۳، شرکت کنندگان می توانند همزمان با تمدید گواهینامهٔ رانندگی خود، برای رأی دادن در انتخابات نیز ثبت نام کنند.

یکی از مهمترین وظایف مسئولان انتخابات حصول اطمینان از حضور افراد واجد شرایط در فهرست اسامی و عدم حضور غیر واجدین شرایط در این فهرست هاست. عموماً مسئولان انتخابات محلی در این مورد اشتباه می کنند و نام کسانی که واجد شرایط رأی دادن

یک کارمند انتخاباتی در حال نمایش وسیله ای جدید در آستین، تگزاس است که در اخذ آراء به کار گرفته می شود.

نیستند، در فهرست اسامی باقی می ماند. وقتی شهروندانی که نام آن ها در فهرست اسامی ذکر نشده به پای صندوق های رأی گیری می روند، به آنها یک برگهٔ رأی گیری موقت داده می شود. و قبل از این که رأی آن ها در شمارش آراء منظور گردد، به وضعیت آن ها از لحاظ احراز شرایط رسیدگی می شود.

اداره و سرپرستی انتخابات

همان طورکه تا کنون مشاهده شده، در یالات متحده، انتخابات، حتی برای مناصب فدرال،به صورت محلی اداره می شود. و اداره

کنندگان انتخابات – که معمولاً مسئولان شهرداری یا شهرداری های منطقه ای یا متصدیان آن هستند – وظایف دشواری به عهده دارند. آنها نه تنها در تمام طول سال مسئول ثبت نام از رأی دهندگان و تعیین افراد واجد شرایط رأی دادن هستند، بلکه برای هر انتخابات باید به طراحی برگه های رأی بپردازند و اطمینان حاصل کنند که نام کاندیدا های صلاحیت دار در فهرست آمده و همه چیز درست نوشته شده است. آنها برگهٔ رأی گیری را تا جایی که امکان دارد باید ساده و روشن طراحی کنند.

در حال حاضر هیچ ضوابطی در سطح ملی برای این برگه ها وجود ندارد. طبق مصوبهٔ حق رأی دادن، مسئولان انتخابات باید برگه های رأی گیری را به چند زبان تهیه کنند (در صورتی که زبان اول مردم انگلیسی نباشد). در بعضی محدوده های قضایی، فهرست نام کاندیدا ها و احزاب باید به طور نامنظم روی ورقه آورده شود. و نهایتاً ، مسئولان محلی انتخابات، باید دستگاه های رأی گیری را هم انتخاب کنند و توجه داشته باشند که برگه های رأی با دستگاهی که انتخاب می کنند بخواند.

در فاصله بین دو انتخابات، نگهداری و انبار کردن این دستگاه ها با مسئولان محلی است. و یکی از مشکل ترین وظایف آن ها استخدام موقت کادر وسیعی از کارکنان برای یک دوره کار فشرده (معمولاً ۱۰ تا ۱۵ ساعت) در روز انتخابات است.

ماهیت رأی گیری

به این ترتیب، تلاش های زیادی برای آماده کردن مقدمات یک انتخابات عادلانه، قانونی و حرفه ای باید صورت بگیرد. از آن جا که وسایل و برگه های رأی گیری معمولاً توسط مسؤلان محلی تهیه و

زنی جوان در رود آیلند هم برای گرفتن گواهینامه رانندگی و هم برای ثبت نام و شرکت در رأی گیری امضاء جمع آوری می کند.

خریداری می شود، نوع و وضعیت وسایل مورد استفادهٔ رأی دهندگان، غالباً با وضعیت اجتماعی-اقتصادی و مبنای مالیاتی محلی که در آن سکونت دارند، درارتباط است. و چون درآمد های مالیاتی محلی برای تأمین بودجهٔ مدارس، پلیس، خدمات آتش نشانی، و پارک ها و تسهیلات تفریحی نیز در نظر گرفته می شود، سرمایه گذاری در استفاده از فن آوری پیشرفته برای انتخابات از اولویت کمتری برخوردار بوده است.

در ایالات متحده، دستگاه های رأی گیری و شمارش رأی تنوع زیادی دارند، و دور نمای فناوری رأی گیری مرتب در حال تغییر است. امروزه در جا های معدودی رأی گیری به صورت دستی انجام

می شود، یعنی همان طور که در گذشته رسم بوده است، با ارائهٔ ورقه های کاغذ که در کنار نام کاندیدای موردنظر باید علامت ضربدر گذاشته شود، اما خیلی از سیستم های کامپیوتری هم هنوز به برگه های کاغذی وابسته هستند که باید داخل دایره ها را سیاه کرد ویا خطوط را به هم متصل ساخت. این برگه ها سپس از طریق کامپیوتر کاویده می شوند و تعداد آرا ثبت می گردد؛ به دستگاه مخصوص این کار، سیستم کاوش بصری گفته می شود.

در بعضی محدوده های قضایی هنوز از دستگاه های اهرم دار استفاده می شود، در این روش، رأی دهندگان اهرمی را در کنار نام کاندیدای مورد نظر خود، یا مسئله ای که به آن رأی می دهند، پایین می آورند. از دیگر دستگاه های بسیار معمول، دستگاه مجهز به کارت سوراخ دار است. برگهٔ رأی گیری از یک کارت تشکیل شده که در کنار اسامی سوراخ هایی وجود دارد، یا این که کارت در دستگاه نگهدارندهٔ کارت قرار گرفته که با تصویر برگهٔ رأی گیری مطابق می شود و بعد سوراخ می گردد. این شیوهٔ رأی گیری موجب بروز اختلافاتی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ در فلوریدا شد. در نتیجهٔ این اتفاق، در بسیاری از محدوده های قضایی استفاده از این دستگاه خاص کنار گذاشته شد. مصوبهٔ کمک به رأی گیری در آمریکا موجب تأمین بودجه برای بسیاری از محدوده های قضایی در جایگزین کردن سیستم های اهرم دار و پانچ کارت بود.

گرایش فعلی، به استفاده از دستگاه های ثبت مستقیم الکترونیکی (DRE) است، که دارای مانیتور های فشاری، مانند دستگاه های خودپرداز بانک ها هستند. کارشناسان سیستم های ایمنی جهت حساس تر کردن این دستگاه ها مشغول به کار هستند.

یکی از تحولات بزرگ در سیستم های رأی گیری، در پیش گرفتن

رأی دهندگان در سال ۲۰۰۴ با شکیبایی در نیویورک در حال انتظار برای انداختن آراء خود به صندوق های رأی هستند، در حالیکه دستگاه اخذ رأی دچار خرابی شده است.

روش هایی است که رأی دهندگان قبل از شروع انتخابات بتوانند رأی دهند. آغازگر این گرایش تسهیلاتی بود که برای رأی دهندگان غایب در نظر گرفته شد، یعنی کسانی که روز انتخابات در محل سکونت خود حضور نداشتند. در بعضی ایالات و محدوده های قضایی استفاده از این روش آزاد شد، به این ترتیب که شهروندان به عنوان "رأی دهندگان همیشهً غایب" ثبت نام می کنند و برگه ای برای رأی گیری به نشانی پستی آن ها ارسال می شود. در ایالت اورگان، انتخابات به تمامیً از طریق پست انجام می شود، اما در حال حاضر اورگان تنها ایالتی است که این روش را در پیش گرفته است. رأی دهندگان غایب، عموماً برگهٔ تکمیل شدهٔ رأی خود را از طریق پست برمی گردانند.

از دیگر راه های تازه، "رأی دادن پیش از موعد " است، که دستگاه های رأی گیری، از سه هفته قبل از روز انتخابات، در مراکز خرید و دیگر مکان های عمومی تعبیه می شوند. شهروندان به فراخور موقعیت خود، برای رأی دادن اقدام می کنند.

شمارش آراء

جدول بندی آرا روز انتخابات تنظیم می شود. با این که از رأی دادن پیش از موقع استقبال زیادی صورت می گیرد، این آراء تا بعد از اتمام مهلت انتخابات شمارش و جدول بندی نمی شوند، به همین دلیل نمی توان به طور رسمی اعلام کرد که کدام کاندیدا ها جلو تر وکدام عقب تر هستند. اطلاعات پیش از موقع در مورد نتایج، ممکن است بر مراحل نهایی انتخابات تأثیر بگذارد.

جنبش اصلاحات

یکی از درس های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ این بود که مسائلی که سرپرستی انتخابات، رأی گیری و شمارش آرا در فلوریدا با آن مواجه شد، می توانست در هر نقطهٔ دیگر ایالات متحده نیز با شدت و ضعفی مشابه رخ دهد. در این مورد مطالعات و تحقیقات زیادی صورت گرفت، و کارشناسان زیادی در میز گرد ها شرکت و ابراز عقیده کردند و نهایتاً تصمیم گرفته شد که نیاز به پاره ای اصلاحات وجود دارد.

در سال ۲۰۰۲، کنگره قانون کمک به رأی گیری در آمریکا (HAVA) را از تصویب گذراند، که حاوی اصول متعددی است. اول این که، دولت فدرال تقبل کرد برای جایگزین کردن دستگاه های قدیمی کارت سوراخ دار و اهرمی، بودجه ای در اختیار ایالات و مناطقی که

نیاز دارند، قرار دهد. دوم این که، کمیسیون یاری به انتخابات برای تأمین کمک های فنی به مسئولان محلی انتخابات تشکیل شد وضوابطی برای دستگاه های رأی گیری معین کرد. مجموعهٔ اقدامات این کمیسیون، ترتیب دادن برنامه های پژوهشی برای مطالعه روی دستگاه های رأی گیری و طراحی برگه های رأی، شیوهٔ ثبت نام، شیوه های رأی گیری موقت و جلوگیری از تقلب، روند استخدام و تربیت کارکنان حوزه های رأی گیری، برنامه های آموزشی برای رأی دهندگان و دیگر مسائل را در بر می گیرد.

مصوبهٔ HAVA نمایانگر دخالت محدود دولت فدرال در یک مسئلهٔ اداری محلی است.اما این اصلاحات موجب تأکید بر اعتمادی است که آمریکاییان به سیستم انتخابات کشورشان دارند. و وقتی می اندیشیم که انتخابات یعنی مشروعیت دادن به بنیاد دموکراسی، هزینه هایی که دراین راه صرف می شود، ناچیز جلوه می کند.

Cover: ©Jupiterimages Corp. 2007. Intro: Ted S. Warren/AP Images. 2: Gerald Weaver/AP Images. 3: Joseph Kaczmarek/AP Images. 4: Tetona Dunlap/AP Images. 6: J. Scott Applewhite/AP Images.
7: Gina Gayle/AP Images. 9: Jim Cole/AP Images. 11: Prints and Photographs Division, Library of Congress (LOC) (2).
13: Gerald Herbert/AP Images. 15: Nati Harnik/AP Images.
16: Ted S. Warren/AP Images. 18: Jim Cole/AP Images. 19: Daniel K. Akaka/AP Images. 21: Pat Sullivan/AP Images. 23: Mario Tama/Getty Images.
24: © CORBIS. 25: AP Images. 26: Andy Kuno/AP Images. 28: © Bettmann/CORBIS.
29: Paula Merritt/The Meridian Star/AP Images. 30: Elise Amendola/AP Images.
32: Ron Schwane/AP Images. 35: Brian Snyder/Reuters. 36: Susan Walsh/AP Images.
37: U.S. Senate Historical Office. 41: Jim McKnight/AP Images. 42: Prints and Photographs Division, LOC. 44: Carolyn Kaster/AP Images. 45: Jeff Gentner/AP Images.
46: Erik Freeland/CORBIS SABA. 47: Terry Ashe/AP Images.
48: Andy Kropa/The New York Times/Redux Pictures. 49: G. Paul Burnett/The New York Times/Redux Pictures. 52: Harry Cabluck/AP Images. 53: Robert E. Klein/AP Images. 55: Bebeto Matthews/AP Images.

Editor-in-Chief—George Clack
Executive Editor—Mildred Solá Neely
Editor—Paul Malamud
Writer—Guy Olson
Cover Designer—Min-Chih Yao
Photo Research—Maggie Johnson Sliker
Graphic Designer—Sylvia Scott

Consulting Editors:
Kevin Coleman, R. Sam Garrett

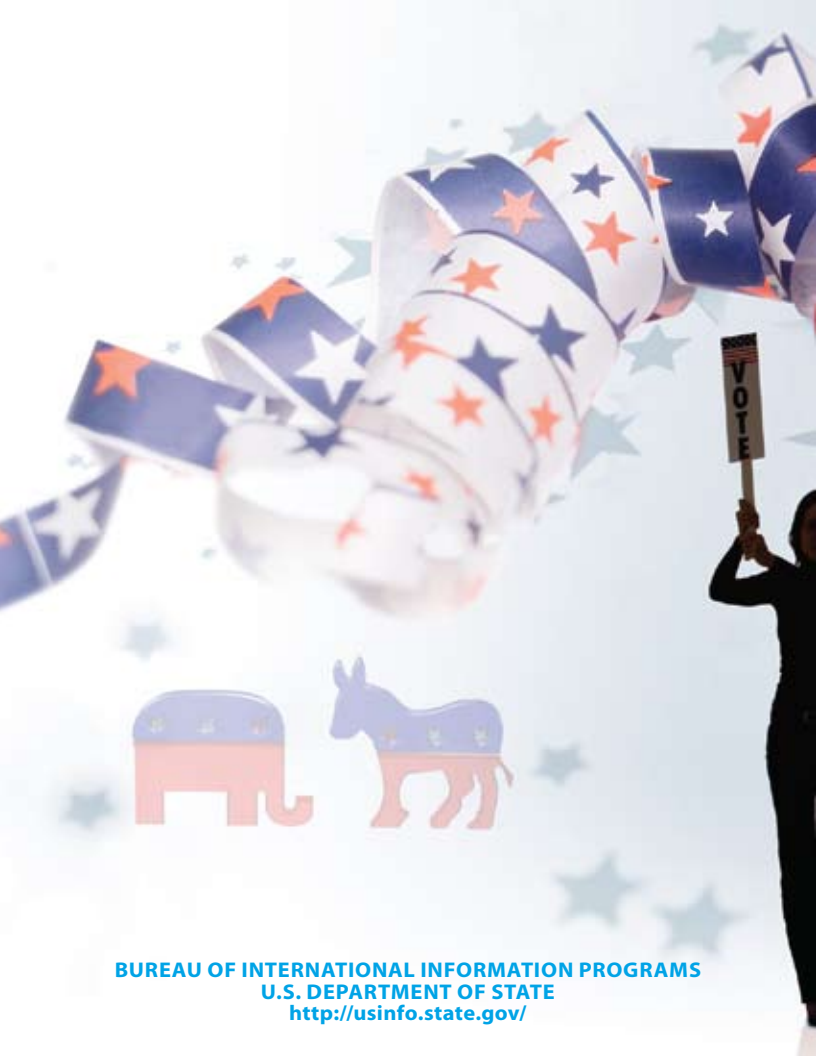

BUREAU OF INTERNATIONAL INFORMATION PROGRAMS
U.S. DEPARTMENT OF STATE
http://usinfo.state.gov/